فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال نهم، شماره سی و ششم، زمستان ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۱۳ – ۱۳۳

واکنش علما به سیطره حکومت پهلوی بر اوقاف (با تکیه بر اسناد)

شهناز شعبانی‌پور[۱]
عباس احمدوند[۲]
سینا فروزش[۳]

چکیده

پهلوی اول (حک. ۱۳۰۴ـ۱۳۲۰ش) به دنبال مدرن‌سازی تمام ارکـان و اجـزای جامعـه بود. وقف یکی از اجزای جامعه و مهم‌ترین منبع درآمـد روحانیـان بـه شـمار مـی‌آمـد. رضاخان با انجام اقداماتی همچون تغییر تولیت اوقاف، تغییر در روش‌های اداره، نظارت، بهره‌برداری و در مواردی، تصـرف عـین موقوفـات، در پـی تسـلط بـر اوقـاف بـود. بـا روی‌کارآمدن پهلوی دوم (حک. ۱۳۲۰ـ۱۳۵۷ش)، سیطره بر اوقاف در سطحی کـلان و با شتاب بیشتری پی‌گرفته شد. به این ترتیب حکومت پهلوی به تضعیف مالی روحانیان پرداخت و در مقابل روحانیان نیز به مقاومت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتمـاعی در برابـر حکومت پهلوی روی آوردند. سوال اصلی پژوهش این است که سیطره حکومت پهلوی بر اوقاف چه تأثیری در روابط علما با حکومت داشته است؟ پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تاریخی و به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی، بر آن است تا با بررسی متغیر وابسـته اوقاف، تصویری جامع از چالش‌های حکومت پهلوی با روحانیـان، در عرصـه اقتصـاد و دگرگونی کارکردهای وقف، ناشی از مدرن‌سازی به دست دهـد. نتـایج حاصـل از ایـن پژوهش نشان می‌دهد گسترش سیطره دولت بر اوقاف، کاهش درآمد سالانه حوزه‌هـای علمیه و ازدست‌رفتن زمین‌های بعضی از علمـای صـاحب‌زمـین در جریـان اصـلاحات

۱. دانشـــجوی دکتـــری تـــاریخ دانشـــگاه آزاد اســـلامی واحـــد علـــوم و تحقیقـــات. Shahnazshabanipour@gmail.com
۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول). a_ahmadvand@sbu.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. s_forouzesh@srbiau.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

ارضی، سبب محرومیت نسبی اقتصادی و نارضایتی علما شد. این سیاست پهلوی و تنگنای اقتصادی روحانیان موجب موضع‌گیری آنها در مقابل حکومت پهلوی شد. در نهایت به‌نظر می‌رسد اتحاد طیف‌های مختلف روحانیان با دیگر نیروهای اجتماعی، موجب شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی‌ﷺ شد.
کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، اوقاف، پهلوی اول، پهلوی دوم، سلطنت پهلوی.

درآمد

وقف به معنای حبس عین مال منقول، غیرمنقول و منافع حاصل از آنها، به قصد قرب الهی، برای استفاده در امور خیر است. مردم بیشتر موقوفات را برای مصرف در امور خیر به علما و مراکز مذهبی می‌سپردند. علما نیز با مصرف اوقاف برای توسعه مراکز مذهبی مانند مساجد، تکایا و حوزه‌های علمیه، پایگاه قدرت مستقل از حکومت برای خود ایجاد می‌کردند (تخشید، ۱۰۵ـ۱۰۶). نظارت و اِشراف بر اوقاف، سبب می‌شد تا روحانیان به‌صورت نهادی سازمان‌یافته، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هیئت‌حاکمه سیاسی، تأثیرگذار باشند.

عمده‌ترین منابع درآمد علما در دوره قاجاریه، از طریق عواید موقوفات، سهم امام، نذرها و دیگر وجوه شرعی تأمین می‌شد که حکومت سهمی در آن نداشت. با توجه به متن وقف‌نامه‌های بررسی‌شده در دوره قاجاریه، بیشترین اهداف وقف در این دوره، مذهبی بوده‌است. برای نمونه وقف‌نامه محمدصادق تاجر بخاری، خادم کشیک رابع آستان قدس رضوی، با موضوع تعزیه‌داری پیامبرﷺ و ائمه‌علیهم‌السلام (سازمان اسناد ملی و کتابخانه ایران، سند شماره ۹۹۸/۵۳)، و وقف آقا میرزاعلی نقی، خلف میرزا محمدعلی آشتیانی، با موضوع تعزیه‌داران سیدالشهداءعلیه‌السلام (همان، سند شماره ۹۹۹/۲۷۶۲۷)، به مصرف امور مذهبی می‌رسید.

اوقاف مهم ایران در آستانه به‌سلطنت‌رسیدن رضاشاه عبارت بودند از: آستان قدس رضوی که به سبب وجود مرقد امام رضاعلیه‌السلام در تمام ادوار تاریخ همواره کانون توجه واقفانی بوده که قسمتی یا تمام دارایی خود را وقف آن آستان کرده‌اند. از این‌رو مهم‌ترین املاک موقوفه ایران از نظر عواید، متعلق به آستان قدس رضوی است (کرمانی، ۱۲۸). حرم حضرت معصومه‌علیهاالسلام نیز املاک و رقباتی داشت. از ۷۷ تکیه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

موجـود در تهـران قـدیم (معتمـدی، ٤٤٥ـــ٤٤٩)، ١٥ تکیـه موقوفـه بـود کـه بیشـتر آنهـا در محلـه‌هـای عودلاجـان قـرار داشـته و تعـدادی از آنهـا نیـز دارای موقوفـاتی بودند (شاه‌حسینی، «سنجش تطبیقـی وقـف طـی دوره‌هـای قاجاریـه و پهلـوی»، ٢٦). محله‌های سنگلج ٣٩٨ باب، چـال‌میـدان ٣٤٥ بـاب و ارگ ٨٧ بـاب، انـواع موقوفـات داشتند (همان، ٢٩).

در کودتای ١٢٩٩ش شرایط سیاسی- اجتماعی ایران به‌گونه‌ای بود که علما در برابـر کودتا مقاومتی از خود نشان ندادند چه رضاخان، فرمانده نظامی کودتا، خود را هواخواه و پشتیبان مذهب معرفی می‌کرد. این وضع که تا سال ١٣٠٧ش ادامه داشت را می‌تـوان دوره «همراهی ظاهری حکومت با روحانیت» نامید. در این دوره رضاخان برای رسیدن به قدرت و کنارزدن مدعیان، تظاهر به دین‌داری و حفظ شعائر مذهبی مـی‌کـرد (بهـار، ٩٣/٢). با این همه برخی اقدامات رضاشاه با مخالفت علما و نیروهـای مـذهبی مواجـه شد که از مهمترین آنها می‌توان به تصویب قانون نظام‌وظیفه عمومی در سال ١٣٠٤ش و انحلال عدلیه در روز ٢٠ بهمن ١٣٠٥ اشاره کرد. در اقدام اخیر، علـی‌اکبـر داور (وزیـر دادگستری رضاشاه) پیش از آنکه به مجلس معرفی شود، عدلیه را منحل کـرد. انحـلال عدلیه در روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ١٤٨، منتشر شـده بـود: «کلیـه تشـکیلات عدلیه موجود در تهران از فردا منحل است. وزیـر ـ داور ـ پنجشـنبه ٢٠ بهمـن ١٣٠٥، نمره اعلان ٢٥٣» (روزنامه اطلاعات، ١٣٠٥/١١/٢٠، ١).

انحلال عدلیه موجب پاک‌سازی دستگاه قضایی از قضات، تحدید قدرت روحانیان و قضاوت شرعی شده بود. عدلیه جدید با حضور شاه در پـنجم اردیبهشـت ١٣٠٦ش در کاخ برلیان افتتاح شد (مذاکرات مجلـس، دوره ششـم تقنیـه، ١٥٠١ـــ١٥٢١). برخـی از روحانیان مجلس شورای ملـی در قبـال انحـلال عدلیـه واکـنش نشـان دادنـد (همـان، ١٧١٩ـ١٧٥٥). آیت‌الله مدرس، در زمان تقدیم ماده‌واحـده اعطـای اختیـارات بـه وزیـر عدلیه در مجلس ششم، از موافقان این لایحه بود. به نظر او، هرکس به فکر اصلاح افتاد باید آزاد باشد تا نظرش را اجرا کند (همان، ٥١٩). آیـت‌الله بهبهـانی از ترکیـب جدیـد نیروی انسانی عدلیه، ابراز نگرانی کرد و گفت: «از این اشخاص صالح که ایشان در نظر دارند که را قصد کرده‌اند و خواهند آورد؟ واقعاً ملاک تعیین صالح و ناصالح چیست؟»

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

(همان، ۵۱۱ـ۵۱۲).

با تصویب قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ش و قانون برگزاری امتحانات طلاب در سال ۱۳۱۰ش، با هدف نظارت بیشتر بر حوزه‌ها و قانون تعیین حدود محاکم شرعی به مسائل خانواده در سال ۱۳۱۱ش، قدرت حقوقی و قضایی علما محدود شد (لک‌زایی، ۱۳۶ـ۱۳۷). با پیدایش سازمان اسناد و املاک، بسیاری از مردم به بهانه از بین نرفتن موقوفه‌ها و درواقع برای سودجویی، املاک موقوفه را به نام خود ثبت کردند وچند سالی هم به وقف عمل می‌کردند و بعد آنها را جزو املاک شخصی خود درمی‌آوردند (روزنامه چهلستون، ۱۳۳۰/۰۷/۲۹، ۱ـ۲). از این‌رو قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ش برای اداره امور وقف به تصویب رسید. این قانون قدرت تصمیم‌گیری وسیعی را به دولت تفویض می‌کرد (ریاحی‌سامانی، ۲۰۳).

دوره جدایی روحانیان از دولت رضاخان از سال ۱۳۱۳ش شروع شد. به‌تدریج، قدرت تشکیلاتی – معنوی و نفوذ اجتماعی روحانیان دستخوش تغییر و منابع مالی آنان دگرگون شده‌بود. رضاشاه اصلاحاتی در نهادهای اجتماعی –اقتصادی انجام داد تا با محدودکردن روحانیان، نهادهای مذهبی را همچون دیگر نهادهای فرهنگی، تحت سیطره خود درآورد و روحانیان را به انزوا بکشاند. رضاشاه با خارج‌ساختن اوقاف از تسلط علما، نخستین ضربه را به اقتدار مالی آنها وارد کرد.این اقدام موجب کاهش قدرت تشکیلاتی روحانیان شده‌بود.

اقدامات رضاشاه را پسرش محمدرضا با شدت بیشتری ادامه داد. تعاملات محمدرضاشاه و روحانیان در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳٤۲ش دارای دو مرحله بوده‌است: مرحله اول، از شروع سلطنت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فشار دولت بر علما و روحانیان کاهش یافت. پهلوی‌ها حکومتی ملی بودند که مشروعیت حکومت خود را از قانون اساسی گرفتند و برای جلب نظر روحانیان و مردم به اقداماتی مذهبی دست زدند. در مرحله دوم، از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ش، شاه به بهانه سرکوب مخالفان و سامان دادن به اوضاع متشنج، از دادن آزادی‌های سیاسی – اجتماعی کناره گرفت و به‌تدریج به سمت تمرکز قدرت متمایل شد.

محمدرضاشاه به بهانه تجددگرایی و کاستن قدرت اقتصادی نهادهای مذهبی، با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

دراختیارگرفتن اداره اوقاف و تغییر کارکردهای نهاد وقف، یکی از منابع درآمد علما را در دست گرفت و موجب کاهش قدرت روحانیان شد. تصویب قانون اوقاف در سال ۱۳۱۳ش، قانون اجازه فروش املاک زراعی موقوفه، همچنین قانون اصلاحات ارضی در دهه ۱۳٤۰ش، بیشترین نقش را در تغییر کارکرد وقف داشت. امام خمینی﵀ با ایجاد همبستگی و اتحاد میان روحانیان، و گسترش مبارزه بین نیروهای اجتماعی، اقدامات گسترده‌ای بر ضد قانون اخیر انجام داد (روزنامه اطلاعات، ۱۳٤۱/۰۹/۱۰، ۱۷).

مسئله اساسی تحقیق حاضر این است که روحانیان در مقابل نوسازی اقتصادی که منجر به ازدست‌دادن بسیاری از منابع درآمدی آنها شد، چه واکنش و سیاستی در پیش گرفتند؟

بررسی واکنش روحانیان به پیامدهای نوسازی اقتصادی، از چند جهت دارای اهمیت و ضرورت است: اول آنکه ظرفیت و پذیرش تحلیل‌ها و تفسیرهای گوناگونی دارد، لذا می‌توان آن را با رویکردهایی متفاوت بررسی و ارزیابی کرد؛ دوم می‌توان به پاسخ‌هایی نو و بدیع دست یافت که پیش‌تر عنوان نشده‌است؛ سوم آنکه از دوره ایران باستان تاکنون، سنت وقف با طی فراز و نشیب‌های بسیار، به حیات خود ادامه داده و پرداختن به آن از اهمیت خاصی برخوردار است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد اسنادی و کتابخانه‌ای، به نگارش درآمده است. و از رویکرد تحلیل محتوا نیز بهره برده و به تفسیر کیفی داده‌های مربوط پرداخته و بر این اساس می‌توان گفت که تحقیق حاضر مبتنی بر الگو (پارادایم) تفسیری است که بر درک معنای رویدادها، توسط محقق استوار است.

پیشینه پژوهش

وقف از سنت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی اسلام بوده‌است (نیک‌مهر، ۱۱۰). انسان مسلمان برای رسیدن به قرب الهی و جلب رضایت خداوند طبق دستورات قرآن کریم باید از جان و مال خود در راه خدا بگذرد. یکی از راه‌های گذشت از مال، وقف آن است (شاه‌حسینی، «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران؛ دوره‌های قاجار و پهلوی»، ۱۲۲). در دین اسلام وقف ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد. تبیین نهاد وقف به‌عنوان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

شخصیتی حقوقی ازجمله ابتکارهای فقهای اسلام است (ریاحی‌سامانی، ٤٧).

درباره سنت وقف، پژوهش‌ها، مقالات و کتب بسیاری تألیف شده‌است که از موارد مهم آنها، کتاب *تاریخچه وقف در اسلام* تألیف علی‌اکبر شهابی (١٣٤٣ش) است. مؤلف در این کتاب به تشریح تاریخچه وقف از صدر اسلام تاکنون، جایگاه آن و انگیزه‌های دینی – اجتماعی وقف‌نامه‌ها پرداخته است. در کتاب *وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات*، نگارش نادر ریاحی‌سامانی (١٣٧٨ش)، نویسنده به پیشینه وقف در ایران و شرحی از احکام فقهی و قانونی وقف اشاره می‌کند. همچنین مقالات «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی» از پروانه شاه‌حسینی (١٣٧٥ش)؛ «اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضاشاه و تأثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون» نوشته محمدرضا تخشید (١٣٧٧ش)؛ «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی» نوشته پروانه شاه‌حسینی (١٣٧٧ش)؛ «مدرنیسم و مشکل جدید وقف» نوشته جواد نوایی‌ان‌رودسری (١٣٩٠ش)؛ «سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی» از پروانه شاه‌حسینی (١٣٩٠ش)؛ و «نیت و مصارف واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم با تکیه بر وقف‌نامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی» نوشته اسدالله نیک‌مهر (١٣٩٢ش)؛ از دیگر آثاری است که در این زمینه تألیف شده‌است. با این همه تاکنون تحقیق مستقلی با رویکرد نهاد وقف و نوسازی اقتصادی و واکنش روحانیان به سیاستهای پهلوی صورت نگرفته است.

پهلوی اول و اوقاف

اداره اوقاف و صنایع مستظرفه در دوران مشروطه تأسیس شده‌بود (بصیرت‌منش، ٦٢). رضاشاه برای محروم‌کردن روحانیون از درآمد وقف و کاستن قدرت آنها، برنامه‌ها و قوانینی ارائه کرد تا دخالت حکومت را در فرایند اداری وقف بیشتر کند (ریاحی‌سامانی، ٢٠٣). در گزارش حسین مکی درباره تاراج موقوفات توسط رضاشاه آمده است: «سومین کسی که (پس از نادرشاه و حسن‌خان سپه‌سالار، استاندار.خراسان در عهد قاجار) اموال وقف را تصرف کرد، رضاشاه بود. به دستور او برای تصرف در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

املاک موقوفه، قانونی در مجلس تصویب شد. در.مورد املاک موقوفه بسیار اتفاق می‌افتاد که بین دو روستا از املاک رضاشاه، یک قریه وقفی وجود داشته است. او نمی‌توانست املاک خود را به هم متصل کند. لذا دستور داد لایحه‌ای به مجلس دوازدهم برده شود که املاک موقوفه را به فروش برساند» (مکی، ۵۳/۸).

با اجرای قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ش، بسیاری از زمین‌های متعلق به روحانیان در اختیار دولت درآمد. این امر نه‌فقط بخش مهمی از درآمدهای روحانیان را از بین برد، بلکه موجب شد مسیر ارتباطشان با بخش وسیعی از جامعه شهری از بین برود (فغفوری، ٤٥). این قانون و نظام‌نامه آن، در ٦ فصل و ٧٦ ماده تنظیم و در ۱۳ اردیبهشت ۱۹۳۵/۱۳۱٤م از تصویب مجلس گذشت (*مجموعه قوانین و آیین‌نامه‌های اوقاف*، ۳). نظام‌نامه تحقیق نیز مشتمل بر ۳۳ ماده در همان تاریخ تصویب شد (روزنامه اخگر، ۱۳۱٤/۰۳/۰۱، ۳). بعد از آن، اداره کل اوقاف در وزارت فرهنگ دایر شد. در شهرستان‌ها نیز در اداره فرهنگ یا به‌طور مستقیم در دایره‌ای به نام اوقاف به موقوفات رسیدگی می‌شد (سامانی‌ریاحی، ٣٤). بنابراین رضاشاه با تصویب قوانین و اجرای مقررات جدید برای تسلط بیشتر دولت بر املاک و دارایی‌های وقفی و نحوه هزینه‌کرد درآمد حاصل از آنها که بیشتر در اختیار روحانیان بود، موفق به منحرف‌کردن درآمدهای املاک وقفی به اهداف غیرمذهبی شد. این قوانین و مقررات، نقش علما در اداره املاک وقف را کمرنگ کرد، در نتیجه با ایجاد این محدودیت مالی، آنها را از یک منبع قدرت محروم کرد (تخشید، ١٠٦ـ١٠٧). از یک سو به دلیل کم‌توجهی حکومت به مذهب، و از سوی دیگر احساس نیاز به دانش و فن جدید برای رسیدن به رشد و توسعه، احداث و وقف مدارس علمیه رو به زوال گذاشت و به‌جای وقفِ این‌گونه مراکز، وقف مراکزی رواج یافت که آموزش در آنها به روش جدید انجام می‌شد (شاه‌حسینی، «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی»، ١١٦).

رضاشاه در اواخر سال ۱۳۰۹ش با احضار مهدی فرخ‌السلطنه، وزیر فرهنگ، نظر وی را درباره تهیه قانونی به‌منظور استفاده از عایدات اوقاف برای افتتاح مدارس جدید و تربیت معلم جویا شد و به او مأموریت داد تا در ایام نوروز به قم برود و موضوع را با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

آیت‌الله حائری در میان بگذارد و از او استفسار کند. بر اساس خاطرات فرخ، آیت‌الله حائری استفاده از وجوه مجهول‌المصرف را جایز و بلااشکال دانست، اما درباره آن مقدار که واقف آشکارا وصیت کرده باشد (وقف خاص) موافقت نکرد و آن را خلاف شرع دانست. به همین سبب، رضاشاه نیز از طرح موضوع و تهیه قانونی مربوط به آن، به‌طور موقت صرف‌نظر کرد (فرخ، ۲۹۰/۱ـ۲۹۱).

مجلس شورای ملی، در اسفند ۱۳۱۰ش نظام‌نامه قانون اداره ثبت اسناد را تصویب کرد. در مواد ١٤ و ١٨ فصل سوم این نظام‌نامه، مقرراتی ویژه برای ثبت اوقاف وضع شد. مجلس هشتم شورای ملی، در اوایل سال ۱۳۱۱ش، قانونی با عنوان ادعای اشخاص و اداره اوقاف تصویب کرد (*مجموعه قوانین و آیین‌نامه‌های اوقاف*، ۲۳). رضاشاه در سال ۱۳۰۹ش بسیاری از اراضی موقوفه و املاک وقفی را که مجهول‌التولیه بودند یا به وقف‌نامه درستی نداشتند، به نام خود ثبت کرد (نوایی‌ان‌رودسری، ٣٦). در اجاره زمین‌های موقوفی به شرکت فلاحتی خراسان در مورخه ۱۳۱۷/۰۱/۰۸، زمین‌های سادات رضوی ازجمله حاج قائم‌مقام رضوی نیز اجاره داده شد (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس، سند شماره اموالی ۱۰۲۷۳۱/۱). سال بعد نیز قوانینی در خصوص مصرف موقوفات تصویب شد. در سندی که از مجلس شورای اسلامی به دست آمده است، ذیل نامه‌ای درباره موقوفه علی‌اکبر، واقع در بخش ٤ مشهد به تصدی محمدتقی بهبود، به مواد مستخرجه از آیین‌نامه قانون ۱۳ اردیبهشت ١٣١٤ش به شرح زیر اشاره شده‌است: ۱- هزینه عمران شامل ذخیره احتیاجی؛ ۲- مالیات و عوارض، حق‌التولیه، حق‌النظاره، سایر هزینه‌های عادی و فوق‌العاده؛ ۳- مصارف مقرره بر حسب وقف‌نامه. در ادامه این سند، ماده آیین‌نامه‌های دیگری اضافه شده‌است (*مجموعه اسناد کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی*، سند شماره ٢٨٦، ٣٢). در این زمان قانون لغو القاب و عناوین (مکی، ٢٠٤/٦) نیز تصویب شد و به اجرا درآمد. به دنبال این موضوع بود که استفاده از القابی چون امام جماعت و امام جمعه ممنوع شد. در اسناد بررسی‌شده سازمان مرکز اسناد ملی در خصوص یک موقوفه چنین موضوعی مشاهده می‌شود. فردی به نام میرزاحسن که امام جمعه و متولی موقوفات قریه‌های قاسم‌آباد و شریف‌آباد بود، از تصرف در این موقوفات محروم شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

ایران، سند شماره ٤/١٨).

سنت وقف برای برگزاری مراسم مذهبی رواج داشت. رضاشاه انجام مراسم مذهبی را نشانه تحجر و بازداشتن مردم از کار و تلاش می‌دانست، لذا برای جلوگیری از مراسم عزاداری و روضه‌خوانی دریافت مجوز از نظمیه را الزامی کرده بود (منظورالاجداد، ٣٦). همچنین برای برخورد با تیغ‌زنی و قمه‌زنی (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ٢٩١٠٠٠٣٣٤٨) و توقیف نوحه‌گرانی و تعزیه‌خوانی (همان، سند شماره ٢٩١٠٠٠١٨٦٠) قوانینی وضع کرده بود.

رضاشاه در آخرین روزهای سلطنت موفق شد، قانونی را در ٩ ماده، در تاریخ ١٤ اردیبهشت ١٣٢٠، به تصویب مجلس شورای ملی برساند که بر اساس آن، وزارت دارایی به‌طور رسمی مجوز فروش موقوفه را دریافت کرد. در سال ١٣٢٠ش، اسماعیل مرآت، متصدی وزارت فرهنگ، طرح سابق استفاده از وقف خاص را که بنا به مصلحت متوقف مانده بود، با رضاشاه در میان گذاشت. بنا بر نوشته متین‌دفتری، یکی از وزرا به شاه تلقین کرده بود املاک موقوفه را بفروشد و از وجوه حاصل از سهام آن، شرکت‌های پرفایده را خریداری کند تا به‌این‌ترتیب به‌اصطلاح تبدیل به احسن شود. لایحه‌ای نیز در این زمینه تهیه و برای تنقیح به دادگستری فرستاده شد. به گفته متین دفتری چون این عمل خلاف شرع بود، او به انحای مختلف مدت‌ها مقاومت منفی کرد تا اینکه خودش نخست‌وزیر شد و لایحه را مسکوت گذاشت؛ اما بعد از سقوط او و نخست‌وزیری علی منصور، لایحه فوق دوباره به جریان افتاد و در نهایت به تصویب قانون فروش املاک زراعی و قنوات موقوفه، مصوب ١٤ اردیبهشت ١٣٢٠ش منتهی شد که بر اساس آن وزارت دارایی موقوفات را مانند خالصجات به فروش رساند و سود حاصل را صرف امور خیریه کرد و به‌این‌ترتیب وقفیت آنها به‌کلی منتفی شد (متین‌دفتری، ١٠٤).

بعد از تصویب این قانون بخشی از املاک موقوفه ایران، ازجمله املاک متعلق به آستان حضرت معصومه علیها السلام در قم و آستان امام رضا علیه السلام در خراسان، به املاک اختصاصی رضاشاه افزوده شد (شاهدی، *مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران*، ٥٤٠/٢). در روزنامه اطلاعات در شماره ١٥٨٣٦، درباره اتهامات وارد بر ولیان،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

«تهدید صاحبان املاک به بهانه گسترش شهر مشهد، سوءاستفادهای کلان از بیت‌المال، برداشت.غیرقانونی از عواید موقوفات رضوی، سرقت از دفتر امانات آستان قدس، تحریک و ایجاد بلوا و آشوب منجر به کشته‌شدن افراد در مناطق مختلف ازجمله گنبد کاووس» ذکر شده‌است (روزنامه اطلاعات،.۱۳۵۸/۰۲/۰۲، ۲۵).

بدین‌ترتیب املاک و زمین‌های بسیاری (اربابی، خالصجات و وقفی) در مناطق مختلف کشور به شیوه‌های گوناگون از دست متولیان و صاحبان آن خارج و به املاک شاه ایران ضمیمه شد. برای نمونه آگهی مزایده موقوفات در روزنامه‌ها مانند شش‌دانگِ یک باب تکیه بایر و مسلوب‌المنفعه واقع در کوچه گازرها بخش ۳ اصفهان دارای پلاک شماره ۱/۲۲٤۹ (روزنامه اخگر، ۱۳۱٦/۰۷/۲۳، ۳)؛ شش‌دانگ کلیه دکاکین از موقوفات مدرسه حده کوچک + سه دانگ تیمچه نبی و محل خاشاک و رز مدرسه (روزنامه عرفان، ۱۳۱۸/۰۷/۰۱، ٤) قابل توجه است.

تنها بعد از تبعید رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ش، مجلس تصمیم به لغو قانون اجازه فروش املاک زراعتی و قنوات موقوفه مصوب ١٤ اردیبهشت ۱۳۲۰ گرفت و قانون مذکور در ۸ آبان ۱۳۲۰ رسماً لغو شد (اداره تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۲۱).

پهلوی دوم و اوقاف

در اواخر حکومت رضاشاه، به سبب نبودِ افراد باکفایت و کارآمد برای به دست‌گرفتن امور و اشغال کشور توسط متفقین، مردم بیش‌ازپیش ناراضی بودند (کاتوزیان، ٤۱۰). از این‌رو پهلوی دوم برای به‌دست‌آوردن قلوب مردم، دست به اقداماتی زد که از آن جمله می‌توان به بازگرداندن زمین‌های وقفی و موقوفات به مؤسسات مذهبی و وقف‌کردن اموال منقول و غیرمنقول خاندان پهلوی اشاره کرد (آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ۲۱۷). برای نمونه در سال ۱۳۲۱ش جلسه‌ای در اداره فرهنگ اصفهان درباره درآمد موقوفات مدارس قدیمی تشکیل و در آن به سهم طلاب از این مدارس، رسیدگی شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۵۰۰۰۰۹۹۳) یا در سال ۱۳۲۵ش قانونی مبنی بر سکونت طلاب در مدارس قدیمی به تصویب رسید که بر اساس آن، طلابی که در امتحان ورودی نمره آنها به حد نصاب

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

می‌رسید، مجاز به سکونت در مدارس قدیمی شدند (همان، سند شماره ۲۹۷۰۰۳۳۹۸). در سال ۱۳۲۸ش اداره اوقاف شهرستان‌ها از مرکز جدا شد. تا آن سال، ادارات اوقاف در مرکز و شهرستان‌ها از وزارت فرهنگ جدا نشده بود؛ به طوری که اوقاف یکی از ادارات کل وزارت‌خانه بود. در شهرستان‌ها نیز ریاست فرهنگ و اوقاف به عهده یک نفر بود (شهابی، ص۵۰).

اصلاحات ارضی محمدرضاشاه نیز موجب خارج‌شدن موقوفات از دست روحانیان شده‌بود. به همین علت اصلاحات ارضی با مقاومت نخبگان سنتی، مَلّاکان، روحانیان و محافل بازاری روبه‌رو شد. روحانیان مشروعیت تصاحب زمین‌هایی را که به کشاورزان بخشیده می‌شد، مخدوش می‌دانستند (دیگار، ٦٥). مرحله دوم اصلاحات ارضی با الحاق مواردی به قانون اصلاحات در سال ۱۳٤۱ش آغاز شد. اجرای این قانون نیز تا حدودی به حیثیت اجتماعی- اقتصادی روحانیان صدمه وارد کرد. برابر ماده ۲ مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی، مورخ بهمن ۱۳٤۱ مصوب هیئت‌وزیران، موقوفات نیز مشمول اصلاحات شد که بر خلاف قانون شرع و خواست روحانیان بود. بر اساس این ماده الحاقی، زمین‌های وقف عام به مدت ۹۹ سال اجاره داده شد و زمین‌های وقف خاص را نیز دولت خریداری و بین زارعان تقسیم کرد (نوشیروانی، ۱۳٤).

اوقاف عامه بعد از اوقاف خاصه مشمول قانون اصلاحات ارضی شد. بر این اساس املاکی که تا تاریخ ١٤ آذر ۱۳۳۸ وقف خاص شده‌است، تا میزان مقرر در این ماده کماکان به‌صورت وقف خاص باقی خواهد بود و وجوه حاصل از فروش مازاد موقوفات مزبور با نظارت اداره اوقاف، به خرید مال دیگری اختصاص داده شد تا طبق ماده ۹۰ قانون مدنی مورد عمل قرار گیرد. در مورد موقوفات خاص وظایفی که بر عهده متولی یا قائم‌مقام بود طبق این قانون به عهده مالک گذارده شد (مصوبات و صورت‌جلسات مجلس شورای عالی اوقاف، ۲۰۰). اگر ملک، وقف خاص باشد و طبق مقررات قانون مدنی مقتضی باشد که تبدیل به احسن شود، ملک موقوفه از طرف دولت خریداری و بین زارعان تقسیم و وجوه حاصله از فروش این‌گونه املاک توسط متولی مال موقوفه به خرید مال دیگری اختصاص داده می‌شد (احمدی، ٢٤٦). در مورد موقوفات عام نیز چنین مصوب شده بود: «املاک موقوفه عام با درنظرگرفتن منابع وقف

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

به اجاره طویل‌مدت ۹۹ساله زارعان به زارعان همان موقوفه، اجاره نقدی داده شد. اجاره‌بها هر ۵ سال یک‌مرتبه قابل تجدیدنظر بود» (مصوبات و صورت‌جلسات مجلس شورای عالی اوقاف، ۲۰۰).

در دوره پهلوی دوم چندان توجهی به مال موقوفه و شرایط مندرج در وقف‌نامه‌ها نمی‌شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۳۸۳۲). اگر مال موقوفه مانع از انجام کاری می‌شد، با تصویب قانون به‌راحتی اجازه فروش آن صادر می‌شد. برای نمونه می‌توان به شکایت عبدالله رضوی از مأموران اصلاحات ارضی (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس، سند شماره ۷٦۸٤۹/۱۷)، درباره موقوفه امامزاده قاسم (روزنامه عرفان، ۱۳۲۹/۱۰/۱۹، ۳) اشاره کرد.

قانون اصلاحات ارضی موجب سلب اعتماد واقفان شده‌بود. با این حال، موقوفه از نظر قانونی همچنان غیرقابل فروش بود. به همین دلیل در ۱۳۵۰/۰۲/۰۲ش ماده‌واحده‌ای به تصویب مجلس شورای ملی رسید که بر اساس آن تصرف و فروش موقوفات جنبه قانونی گرفت. با تصویب این قانون و اجرای آن تا سال ۱۳۵۷ش ضربه‌های فراوانی بر پیکره وقف وارد آمد (فروزش، ٤۸) و بسیاری از موقوفات به بهانه تبدیل به احسن فروخته شدند (نواییان‌رودسری، ۳۷).

مقاومت علما در برابر سیاست‌های حکومت پهلوی

مناسبات نهاد روحانیت شیعه و حکومت در عصر رضاشاه، خط سیری مشابه عصر قاجار داشت. در ابتدا رابطه مثبت و خوبی بین آنها برقرار شد و سپس به تضاد و تعارض انجامید (خلیلی‌خو، ۲۲٤). درنهایت در افتتاح دوره هفتم مجلس، تیرگی روابط روحانیان با رضاشاه علنی شد (مکی، ۳۹/٤). رضاشاه به روش‌های گوناگون مانند اجرای قانون لباس متحدالشکل، امتحان‌گرفتن به‌منظور اخذ جواز عمامه، سلب نفوذ اجتماعی آنان از طریق تغییر و تحول در امور قضایی، کوتاه‌کردن دست آنان از اوقاف، تبعید و قتل، بر روحانیان فشار می‌آورد. اقدامات رضاشاه برای حفظ و تثبیت قدرت نیز قابل توجه است. برای نمونه می‌توان به نامه میرزامحمود رئیس‌الحکماء (طلبه مدرسه میرزاصالح) به مجلس شورای ملی راجع به عواید موقوفات مدرسه میرزاصالح

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

(متشرعی و شهماری، ۱۶۳، سند شماره ۱۲۰) و شکایت حجت‌الاسلام جمال‌الدین مجتهد کرمانی نسبت به موقوفه مدرسه محمودیه اشاره کرد.

با روی‌کارآمدن محمدرضاشاه و تأسیس بنیادی به نام بنیاد موقوفه پهلوی، اموال منقول و غیرمنقولی که رضاشاه تصرف کرده بود، به مصرف امور خیریه، ساخت بیمارستان، مدارس و نظایر اینها رسید (سجادی، ۷۰–۷۶). آبراهامیان معتقد است محمدرضاشاه املاک وقفی را که پدرش به وزارت معارف سپرده بود، آزاد کرده بود (آبراهامیان، *تاریخ ایران.مدرن*، ۱۸۵).

با این همه محمدرضا نیز مانند پدرش، بعد از مدتی سیاست‌های خود را در قبال مذهب و روحانیت تغییر داد (ایوانف، ۲۰۹ــ۲۱۰). مخالفت روحانیان با اصلاحات ارضی زمانی قوّت گرفت که عَلَم در چارچوب اجرای برنامه اصلاحات ارضی در صدد بود تا املاک موقوفه را نیز مشمول این قاعده کند. روحانیان معتقد بودند که امکان تقسیم و واگذاری املاک وقفی به لحاظ شرعی وجود ندارد (آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ۵۲۱). آیت‌الله بهبهانی ضمن نامه‌ای خطاب به اسدالله عَلَم او را از تقسیم اراضی موقوفه بر حذر داشت (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۸–۱۷–۳–۷۹٤–ع). اسدالله عَلَم، نخست‌وزیر وقت (۳۰ تیر ۱۳٤۱ ـ ۱۸ اسفند ۱۳٤۲ش)، در مقابل اعتراض روحانیان، هدف از این کار را جلوگیری از حیف‌ومیل شدن عایدات موقوفات بیان کرده بود: «مسئله تقسیم در کار نیست و اداره امور موقوفات از این طریق بر حسب ازدیاد عواید موقوفات در عین رفاهیت کشاورزان و دهقانان دهات موقوفه می‌شود که عیناً به متولیان تسلیم گردد تا به مصارف خیریه برسانند» (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۲۰ـ۱۷ـ۳ـ۷۹٤ـع).

اعتراض روحانیان به دست‌اندازی دولت در اداره موقوفات موجب شد تا گروهی از بزرگ‌مالکان و کسانی که املاکشان مشمول اصلاحات ارضی می‌شد، مجالی برای اعتراض و مخالفت بیابند و به صف روحانیان و دیگر قشرهای مخالف رژیم بپیوندند (شاهدی، «نگاهی گذرا به مخالفت روحانیون و اسلام‌گرایان...»، ۵۵). آیت‌الله بروجردی نیز با کارهای دولت و مجلس مخالفت کرد (کدی، ۲۳٦؛ فوران، ٤۹۹). آیت‌الله بروجردی در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای ملی و در نامه دیگر خطاب به آقای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

بهبهانی نوشت: «شما در این رابطه مسئولیت دارید. پدر شما خون‌بهای مشروطیت ایران است. درباریان و مجلسیان باید از.شما اطاعت کنند. شما در امور خلاف شرع باید حساس و فعال باشید» (گورابی، ۱۲).

اگرچه بسیاری از فعالیت‌های علما مثل تعلیمات حوزه و مدرسه، مسجدها، مراسم و هزینه‌های طلاب از درآمد.وقف تأمین می‌شد (کمالی، ۱٦۷ــ۱٦۸)؛ نیروهای سیاسی مانند نهضت آزادی ایران در جریان اصلاحات ارضی، می‌کوشیدند تا از ترویج تصویرسازی حکومت مبنی بر هم‌راستا بودن منافع روحانیان با زمین‌داران بزرگ ممانعت کنند. نهضت آزادی ایران در یکی از بیانیه‌های خود در دی‌ماه ۱۳٤۱ش درباره «هدف روحانیون از مبارزه اخیر» نوشته است: «هیئت‌حاکمه فعلی در تبلیغات مضحک خود علیه روحانیون می‌گوید: آنها با تز تقسیم اراضی به خاطر.موقوفاتی که در دست دارند، مخالفت می‌کنند. راستی خنده‌آور است موقوفات همه در دست دولت می‌باشد و اگر سوءاستفاده‌هایی در اراضی موقوفه صورت می‌گیرد، همه با زدوبند اداره اوقاف و زیر نظر اوست» (اسناد نهضت آزادی، ۱۳۰/۱).

درگذشت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳٤۰ش، زمینه اجرایی شدن قانون اصلاحات ارضی را که یک سال پیش از آن به تصویب مجالس شورای ملی و سنا رسیده بود، فراهم آورد. پس از آن فقط آیت‌الله سید احمد خوانساری از میان مراجع تقلید به شکل جدی با اصلاحات ارضی مخالفت کرد (حائری، ۳۵۳). اسناد ساواک حاکی عدم مخالفت مراجع تقلید وقت با اصلاحات ارضی است (امامی، ۱۸۲).

سخنان آیت‌الله خمینی در دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران در اردیبهشت ۱۳٤۲ نیز نشان از عدم مخالفت ایشان با اصلاحات ارضی داشت: «حوزه علمیه هرگز مخالف اصلاحات ارضی نبوده؛ آیا دولت به ما پیشنهاد کرد و از ما نظر خواست؟ ما می‌دانیم این موضوع برای سرگرمی کشاورزان فراهم شده‌است» (خمینی، ۱۹۲/۱). امام خمینی زمانی که در نوفل‌لوشاتو بود، درباره اوقاف و علما اعلام کرد: «اینکه شماها می‌گویید اوقاف برای علماست، علما چه نیازی به اوقاف دارند؟ آیا می‌خواهی به علما رشوه دهی؟» (پویا، ۵). امام در این سخن علاوه بر نظر به جایگاه وقف و اوقاف و توجه به سوءاستفاده دولت از این سازمان برای بستن دهان علما

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

فرمودند: «وقف صاحب یا صاحبانی دارد که باید به آنان داده شود. شما حق ندارید در آن تصرف کنید یا به دیگران واگذار نمایید» (همان).

تلاش حکومت برای نفوذ سازمان اوقاف در امور مذهبی، موجب اعتراض آیت‌الله گلپایگانی شده‌بود: «مداخلات غیرمشروعه اوقاف در امور مذهبی و روحانیت، به‌هیچ‌وجه جای خوش‌بینی به اوضاع را باقی.نگذارد» (*اسناد انقلاب اسلامی*، ۳٤۹/۱). کنترل مدارس علمیه در سراسر کشور، برنامه‌ریزی برای برگزاری آزمون‌های تعیین سطح طلاب (*زندگی‌نامه آیت‌الله گلپایگانی به روایت اسناد ساواک*، ٤٥۱–٤۹۸)، فروش اراضی مزروعی موقوفات از سوی این سازمان، همچنین دخالت دولت در امور روحانیان، برای آیت‌الله گلپایگانی قابل تحمل نبود. آیت‌الله حکیم نیز در سال ۱۳٤۰ش در پاسخ به تلگراف حسن ارسنجانی، وزیر کشاورزی، که ادعا کرده بود علما با طرح اصلاحات ارضی وی موافق بوده‌اند، به رد ادعای او پرداخت و اعلام کرد که این‌جانب، «موافق تصرف املاک افراد نبوده‌ام» (روحانی، ۲۲/۱). او در پاسخ به سؤالی از ایشان، غصب املاک مردم را حرام دانست (همان، ۲٤). همچنین می‌توان به مخالفت آیت‌الله میلانی با برنامه اصلاحات ارضی اشاره کرد. ایشان در این خصوص به نخست‌وزیر (حسنعلی منصور) نوشته بود: «اصلاحات اگر به‌صورت برگرداندن املاک مغصوبه به مالکین حقیقی یا گرفتن موقوفات از متصدیان و.ارجاع به متولیان یا گرفتن زکوات گذشته و حال، و صرف آن در اصلاح حال کشاورزان مستمند محل باشد،.وجه شرعی دارد، ولی به‌صورت فعلی نامشروع و مورد انکار عموم مردم باایمان که به احکام شرع مقدّس.اسلام آشنا هستند، می‌باشد» (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ٤/۱–٦). مبارزه روحانیان با حکومت پهلوی، نشان می‌دهد حاکمان سیاسی که در برقراری ارتباط پایدار با جامعه مذهبی ناتوان بودند و به‌تدریج چنین جامعه‌ای را نادیده گرفتند و در پی آن، دست‌اندرکاران نهاد مذهب، یعنی روحانیون به مقابله با حکومت پهلوی پرداختند.

نتیجه

روی‌کارآمدن رضاشاه در تاریخ معاصر ایران با نوسازی کشور همراه شده بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

تجددگرایی و تضعیف ارزش‌های دینی در کارکردی تعاملی، بخشی از برنامه‌های نوسازی دولت رضاشاه محسوب می‌شد. رضاشاه کوشید با کاهش منابع درآمدی روحانیان، از جایگاه و تأثیر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در مخالفت با برنامه نوسازی خویش بکاهد. به‌رغم کناره‌گیری علما از سیاست، اقدامات رضاشاه در خارج‌ساختن اوقاف از تسلط علما، موجب منازعه روحانیان و حکومت شده‌بود. اجرای قانون اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم نیز نهاد وقف را با دگرگونی بسیاری مواجه کرد. طبق این قانون همه زمین‌های زراعی وقفی، مشمول اصلاحات ارضی شدند. به‌خصوص با قانون اصلاحات ارضی بسیاری از موقوفات بدون مجوز شرعی فروخته شدند. اقدامات حکومت پهلوی برای تفکیک سازمان وقف و تصویب قوانینی در جهت اداره موقوفات سبب شد تا مردم تمایل کمتری به وقف نشان دهند. با اینکه مردم به نسبت دوره قاجار از وضع مالی مناسب‌تری برخوردار بودند، روحانیان در این دوره فقیرتر شدند. کاهش پرداخت سالانه به حوزه علمیه و ازدست‌رفتن زمین‌های بعضی از علمای صاحب‌زمین در جریان اصلاحات ارضی، موجب محرومیت نسبی اقتصادی آنان شد. به‌این‌ترتیب، مخالفت روحانیان و بازاریان در اواخر دوره پهلوی افزایش یافت. روحانیان به‌مثابه پایگاه حمایت از طبقه متوسط سنتی در مقابل شاه، دست به موضع‌گیری و بسیج مردم زدند. در نتیجه، عده‌ای از روحانیان و مردم به پیروی از آیت‌الله خمینی﵀ به مخالفت با شاه برخاستند و با بستن بازار، شرکت در تظاهرات، و برگزاری مراسم عزاداری در مساجد به اعتراض پرداختند و بعد از چند ماه مبارزه پی‌درپی، سرانجام موفق شدند طبقات و گروه‌هایی دیگر را با خود همراه کنند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

منابع

- آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- ـــــــــــــــ، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.
- احمدی، اشرف، *ایران در گذشته و حال*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۰.
- اداره تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، *تدوین و تنقیح قوانین و مقررات*، تهران، معاونت پژوهش، ۱۳۸۰.
- *اسناد انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷٤.
- *اسناد نهضت آزادی، (ج ۱: جریان تأسیس و بیانیه‌ها)*، برگرفته از آرشیو سایت نهضت آزادی، قابل دسترس در وب‌گاه کتابناک به نشانی: https://ketabnak.com/book/29449 (بازیابی‌شده در: ۱۳۹۹/۰٦/۱۲).
- امامی، محمدمهدی، *زندگی‌نامه آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی به روایت اسناد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- ایوانف. م.س، *تاریخ ایران نوین*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳٥٦.
- بصیرت‌منش، حمید، *علما و رژیم رضاشاه*، تهران، عروج، ۱۳۷۸.
- بهار، محمدتقی، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، ۲ ج، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- پویا، حسن، «وقف در اندیشه و آثار امام خمینی»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، انتشارات سازمان اوقاف، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۹.
- تخشید، محمدرضا، «اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضاشاه و تأثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران*، شماره ٤۰، ۱۳۷۷.
- حائری، عبدالهادی، *آنچه گذشت: نقشی از نیم قرن تکاپو*، تهران، معین، ۱۳۷۲.
- خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- خلیلی‌خو، محمدرضا، *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

- دیگار، ژان پیر و برنارهور کاد و یان ریشار، *ایران در قرن بیستم*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۸.
- روحانی، حمید، *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- روزنامه اخگر، شماره ۱۰٤۰، ۱۳۱٤/۰۳/۰۱.
- ـــــــــــــ، شماره ۱۲۸٦، ۱۳۱٦/۰۷/۲۳.
- روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۱٤۸، ۱۳۰۵/۱۱/۲۰.
- ـــــــــــــ، سال سی‌وهفتم، شماره ۱۰۹٦۳، ۱۳٤۱/۰۹/۱۰.
- ـــــــــــــ، سال پنجاه‌وچهارم، شماره ۱۵۸۳٦، ۱۳۵۸/۰۲/۰۲.
- روزنامه چهلستون، سال اول، شماره ٦، ۱۳۳۰/۰۷/۲۹.
- روزنامه عرفان، سال دوازدهم، شماره ۱٦٤۰، ۱۳۱۸/۰۷/۰۱.
- ریاحی‌سامانی، نادر، *وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات*، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۸.
- *زندگی‌نامه آیت‌الله گلپایگانی به روایت اسناد ساواک*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۵.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس، سند شماره ۷٦۸٤۹/۱۷؛ سند شماره اموالی ۱۰۲۷۳۱/۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۱۰۰۰۳۳٤۸؛ سند شماره ۲۹۷۰۰۳۳۹۸؛ سند شماره ۲۵۰۰۰۰۹۹۳؛ سند شماره ۹۹۸/۵۳؛ سند شماره ۹۹۹/۲۷٦۲۷.
- سجادی، احمد، «آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران (قسمت اول)» *فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی، تاریخی*، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، شماره ۱۹، ۱۳۷۵.
- شاهدی، مظفر، *مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران*، ۳ ج، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.
- ـــــــــــــ «نگاهی گذرا به مخالفت روحانیون و اسلام‌گرایان با لوایح انقلاب سفید در دوره نخست‌وزیری اسدالله عَلَم، تیر ۱۳٤۱ ـ خرداد ۱۳٤۲»، *تاریخ معاصر*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

ایران، شماره ٤٣، پاییز ١٣٨٦.
- شاه‌حسینی، پروانه، «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال ١٣، شماره ٤٨، بهار ١٣٧٧.
- ـــــــــــــــ «سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی»، *جغرافیا و توسعه*، شماره ٢٥، زمستان ١٣٩٠.
- ـــــــــــــــ «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران؛ دوره‌های قاجار و پهلوی»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال ١١، شماره ٤٢، پاییز ١٣٧٥.
- شهابی، علی‌اکبر، *تاریخچه وقف در اسلام*، تهران، دانشگاه تهران، ١٣٤٣.
- فروزش، روح‌الله، *مجموعه قوانین و مقررات اوقاف*، تهران، خرسندی، ١٣٨٧.
- فرخ، سید مهدی، *خاطرات سیاسی فرخ*، ٢ ج در ١ مجلد، به اهتمام پرویز لوشانی، تهران، امیرکبیر، ١٣٤٧.
- فغفوری، محمدحسن، «تأثیر فرایند نوسازی کشور بر روحانیان»، *ماهنامه آفتاب*، سال ٢، شماره ١٦، ١٣٨١.
- فوران، جان، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ١٣٧٧.
- کاتوزیان، محمدعلی، *دولت و جامعه در ایران (انقراض قاجار و استقرار پهلوی)*، تهران، مرکز، ١٣٧٩.
- کدی، نیکی‌آر، *ایران در دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ١٣٨١.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، علی‌اکبر سیرجانی، تهران، آگاه، ١٣٦١.
- کمالی، مسعود، *جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر*، ترجمه کمال پولادی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ١٣٨١.
- گورابی، سید یاسم، «سیره عملی آیت‌الله عظمی بروجردی در ساحت سیاست»، *علوم سیاسی*، سال سیزدهم، شماره ٥١، پاییز ١٣٨٩.
- لک‌زایی، نجف، «تأملی بر پویایی اندیشه سیاسی امام خمینی»، *ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر*، سال دوم، شماره ٩، ١٣٨٢.
- متشرعی، فریناز و ندا شهماری، *اسناد روحانیت (دوره هفتم تا نهم مجلس شورای*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]

ملی)، تهران، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
- متین‌دفتری، احمد، *خاطرات یک نخست‌وزیر*، به کوشش باقر عاقلی، تهران، علمی، ۱۳۷۰.
- *مجموعه قوانین و آیین‌نامه‌های اوقاف*، تهران، انتشارات اداره‌کل اوقاف، ۱۳٤۳.
- *مجموعه اسناد کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی*، سند شماره ۲۸٦؛ سند شماره ۳۸۳۲ (۲ برگ).
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، *آیت‌الله سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک*، تهران، سروش، ۱۳۸۲.
- مذاکرات مجلس، دوره ششم تقنیه، *روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی*، ۱۳۰۵.
- *مصوبات و صورت‌مجلس شورای عالی اوقاف (از آذرماه ۱۳٤۵ تا بهمن‌ماه ۱۳۵۷)*، به کوشش معاونت فرهنگی سازمان امور اوقاف و امور خیریه، بی‌جا، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۲.
- معتمدی، محسن، *جغرافیای تاریخی تهران*، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- مکی، حسین، *تاریخ بیست‌ساله ایران*، ۸ ج، تهران، انتشارات ناشر، ۱۳٦٤.
- منظورالاجداد، محمدحسین، *سیاست و لباس (گزیده اسناد متحدالشکل‌شدن البسه ۱۳۰۷-۱۳۱۸)*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰.
- مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۸-۱۷-۳-۷۹٤-ع؛ سند شماره ۲۰-۱۷-۳-۷۹٤-ع.
- نواییان‌رودسری، جواد، «مدرنیسم و مشکل جدید وقف»، *ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش فرهنگی هنری خراسان*، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری خراسان با مشارکت اداره اوقاف خراسان، شماره ۱۸، ۱۳۹۰.
- نوشیروانی، وحید، *مکانیزاسیون کشاورزی در ایران: مسائل ارضی و دهقانی*، تهران، آگاه، ۱۳٦۱.
- نیک‌مهر، اسدالله، «نیت و مصارف واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم؛ با تکیه بر وقف‌نامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی»، *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، سال ٤۵، شماره ۹۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.36.6.6]